



بررسی و معرفی کتاب

# عنه الکتبه

علی رضائیان  
عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا  
۶  
خرداد ۱۳۷۹

کتاب  
عنه الکتبه  
مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر  
بنام  
نویز الدوله متجرب الدین بدیع آتابک بجویی  
تصحیح و اهتمام  
علی رضائیان  
محمد قزوینی  
عباس اقبال  
اول مرداد ۱۳۷۹ شمسی  
شرکت سهامی چاپ

این مجموعه اصیل بوده و در جای دیگر دیده نشده‌اند.  
۷. عنه الکتبه: که در این مقاله به بحث و بررسی پیرامون آن خواهیم پرداخت.<sup>۱</sup>

نویسنده کتاب عنه الکتبه علی بن احمد کاتب جویی ملقب به متجرب الدین می‌باشد. خاندان متجرب الدین را می‌توان به عنوان تلامذ نمونه‌ای از خاندان‌های دیوانی در تاریخ میانه ایران معرفی نمود. یکی از اجداد متجرب الدین دبیر شمس المعالی قابوس بن وشمگیر زیاری (۴۰۲-۳۶۷ ه. ق.) بود.<sup>۲</sup> خود وی نیز سالها ریاست دیوان رسایل سلطان سنجر را به عهده داشت. به علاوه متجرب الدین خال جد شمس الدین و عظاملک جویی، دیوانسالاران معروف عصر مقول می‌باشد.<sup>۳</sup>

گرچه متجرب الدین سالها در دیوان سلطان سنجر و در بالاترین مراتب دیوانی مشغول به خدمت بود اما در کتب تاریخی عصر سلجوقی نامی از وی به میان نیامده است. تنها واقعه تاریخی که در آن ذکری از متجرب الدین شده قضیه شفاعت وی را از رشیدالدین وطواط می‌باشد که در تاریخ جهانگشای جویی ذکر گردیده است.<sup>۴</sup> بنا به نوشته جویی هنگامی که سلطان سنجر در جنگ با آتسز خوارزمشاه (۵۵۱-۵۲۱ ه. ق.) هزار اسب را در محاصره داشت انوری شاعر دربار سنجر شعری نوشته و به هزار اسب انداخت:

ای شاه همه ملک زمین حسب تراست

وز دولت و اقبال جهان کسب تراست  
امروز به یک حمله هزار اسب بگیر

فرنا خوارزم و صد هزار اسب تراست  
رشیدالدین وطواط که در این زمان در هزار اسب و در خدمت آتسز بود جوابی بر شعر انوری نوشته به سمت سپاه سلجوقی فرستاد:

گر خصم تو ای شاه شود رستم گرد

یک خر ز هزار اسب نتواند بُرد  
این شعر رشیدالدین وطواط به علاوه شعر دیگری که در مخالفت با سلاجقه سروده بود باعث شد تا سلطان سنجر قسم یاد کند که در صورت دستیابی به رشیدالدین هفت عضو او را از یکدیگر جدا کند در این زمان وطواط برای نجات یافتن از انتقام سلطان به متجرب الدین پناه می‌آورد. متجرب الدین نیز موفق می‌شود حکم عفو وی را از سلطان سنجر بگیرد.<sup>۵</sup>

عوفی در کتاب لباب الالباب در بحث پیرامون وزراء و صدوری که شعر نیز می‌گفته‌اند صفحاتی را به متجرب الدین اختصاص داده و نمونه‌ای از اشعار وی را ذکر کرده است. به گفته عوفی متجرب الدین علاوه بر کتاب عنه الکتبه کتابی نیز به نام رقیه القلم داشته است. عوفی مدعی است که در شهر نیشابور موفق به خواندن این کتاب گردیده و از کتاب مذکور حکایتی نیز پیرامون سال‌های جوانی متجرب الدین آورده است. براساس این حکایت همزمان با شروع کار متجرب الدین در امور دیوانی فردی که متجرب الدین در خدمت وی به امور دیوانی اشتغال داشته سبک کتابت متجرب الدین را نپسندیده و او را مورد آزار قرار می‌داده است. در یکی از موارد که مخلوم متجرب الدین به شدت از نگارش وی ایراد گرفته و حتی مکتوب نگارش یافته توسط او را پاره می‌کند متجرب الدین با دلتنگی به حرم امام موسی رضا (ع) رفته از وی استمداد می‌طلبد. اینجاست که الطاف غیبی شامل حال متجرب الدین گردیده از این پس روش نامه‌نگاری وی مورد قبول فضلا و بزرگان قرار می‌گیرد و مناظر ترقی را طی می‌نماید تا آنجا که به ریاست دیوان رسایل سلطان سنجر منصوب می‌گردد.<sup>۶</sup>

- عنه الکتبه
- تألیف: متجرب الدین جویی
- تصحیح: محمد قزوینی و عباس اقبال
- ناشر: شرکت سهامی چاپ، تهران، ۱۳۷۹.

از جمله مهم‌ترین منابع عصر سلجوقی و خوارزمشاهی که نقش بسزایی در شناخت سلسله‌های یاد شده ایفاء می‌نمایند مجموعه منشآت باقیمانده از این دوران است. از عهد مورد بحث هفت مجموعه منشآت ارزشمند تاکنون به دست ما رسیده است که عبارتند از:

۱. ابکار الافکار فی الرسائل و الامعار: شامل چهل نامه و قصبه از رشیدالدین وطواط، رئیس دیوان رسایل خوارزمشاهیان.
۲. عرائس الخواطر و نفائس الثواتر: شامل پنجاه نامه از رشیدالدین وطواط به زبان‌های فارسی و عربی.
۳. عمد البلقا و عمد الفصح: شامل سی نامه از رشیدالدین وطواط به زبان‌های فارسی و عربی.
۴. منشآت رشیدالدین وطواط: مجموعه‌ای از مکتوبات رشیدالدین وطواط که اگرچه برخی نامه‌های آن در سایر کتب منشآت فوق‌الذکر تکرار گردیده‌اند، اما نامه‌هایی نیز در این مجموعه وجود دارد که مختص همین کتاب بوده و در سایر کتب درج نگردیده‌اند.

۵. التوسل الی التوسل: مجموعه نامه‌هایی از بهاء الدین محمد بن مؤید بغدادی رئیس دیوان رسایل سلطان علاءالدوله تکش خوارزمشاه.  
۶. مجموعه منشآت نینگرداد: مجموعاً حاوی صد و چهل‌ونه نامه به تفکیک زیر: هفتاد و هشت نامه از رشیدالدین وطواط هفده نامه از متجرب الدین جویی، هفت نامه از سایر نویسندگان و چهل و هفت نامه از نویسندگان ناشناس. اگرچه تعدادی از نامه‌های موجود در این مجموعه نیز در سایر کتب منشآت یاد شده تکرار گردیده‌اند اما حدود هشتاد و هشت نامه

آنچه ذکر شد معدود اطلاعاتی بود که پیرامون نگارنده کتاب عتبه‌الکتبه در منابع دست اول وجود دارد. علاوه بر این تنها منبع دیگری که می‌توان در آن از منتجب‌الدین جوینی اطلاعاتی کسب کرد مقدمه کتاب عتبه‌الکتبه و برخی نامه‌های موجود در این کتاب است. بر اساس این مقدمه منتجب‌الدین در سال ۵۱۶ هـ. ق. به خدمت شرف‌الدین ظهیر بیهقی<sup>۷</sup> می‌رسد. شرف‌الدین در این زمان کدخدای [وزیر] عزالدین اثر<sup>۸</sup> از فرماندهان برجسته سپاه سلجوقی، بود. وی منتجب‌الدین را به ریاست دیوان انشاء خود می‌گمارد. پس از مدتی منتجب‌الدین به تدریج مسیر ترقی را طی کرده به دیوان سلطان سنجر راه می‌یابد. در سال ۵۲۴ هـ. ق. و به هنگام فتح سمرقند توسط سنجر منتجب‌الدین فتح نامه‌ای می‌نویسد تا به بغداد فرستاده شود. این فتح نامه مورد توجه نصیرالدین محمود بن ابی‌توبه<sup>۹</sup> وزیر سلطان سنجر قرار گرفته و منجر به تشویق منتجب‌الدین از جانب وی می‌گردد.<sup>۱۰</sup>

کتاب عتبه‌الکتبه مجموعه‌ای است از منشورهای حکومتی و نامه‌های نوشته شده توسط منتجب‌الدین جوینی. جمله‌های دعائیه‌ای همچون «خلدالله ملکه» و «اعلاه الله» که پس از نام سلطان سنجر (متوفی ۵۵۲ هـ. ق.) در مقدمه کتاب ذکر گردیده، بیانگر حیات سنجر در هنگام تنوین مقدمه و بالطبع نگارش مقدمه قبل از سال ۵۵۲ هـ. ق. می‌باشد. به گفته منتجب‌الدین در مقدمه عتبه‌الکتبه وی کتاب را به فرمان «ناصرالدین صدرالاسلام و المسلمین ملک الوزرائی از جهت خداوندزاده قوام‌الدین نظام الاسلام...» ترتیب داده است.<sup>۱۱</sup> بررسی القاب یاد شده شکی باقی نمی‌گذارد که منتجب‌الدین عتبه‌الکتبه را به فرمان ناصرالدین ابوالفتح نظام الملک طاهر بن فخر الملک بن نظام الملک<sup>۱۲</sup> - که از سال ۵۲۸ هـ. ق. تا سال وفاتش ۵۴۸ هـ. ق. وزارت سلطان سنجر را به عهده داشته - و برای فرزند وی نظام الملک ابوعلی قوام‌الدین حسن<sup>۱۳</sup> جمع‌آوری نموده است.

بدین ترتیب کار نگارش مقدمه و جمع‌آوری مکتوبات کتاب باید بین سال‌های ۵۲۸ هـ. ق. الی ۵۴۸ هـ. ق. یعنی سال‌هایی که ناصرالدین وزارت سلطان سنجر را به عهده داشته صورت پذیرفته باشد. اما همانگونه که مرحوم قزوینی خاطر نشان کرده است در عتبه‌الکتبه مکتوباتی وجود دارد که به وقایع پس از سال ۴۴۸ هـ. ق. اشاره دارند. برای مثال در یکی از مکتوبات صریحاً به مرگ سلطان سنجر (۵۵۲ هـ. ق.) اشاره گردیده است.<sup>۱۴</sup> در همین مکتوب و مکتوبی دیگر از کتاب به سلطنت رکن‌الدین محمود بن محمد خواهرزاده سلطان سنجر و جانشین او اشاره گردیده و اشعاری نیز در مدح وی آورده شده است.<sup>۱۵</sup> الهی دولت محمود سلطان

بسمار بقا مشدود گردان  
چه آن شاه جهانست او که گویند

الهی عاقبت محمود گردان<sup>۱۶</sup>  
و در شعری دیگر آمده است:  
میش با گرگ هم‌نشین گردد

آسمان حاسد زمین گردد  
عدل مقفود را کند موجود

رای سلطان دادگر محمود<sup>۱۷</sup>  
مطالب و اشعار یاد شده سال نگارش برخی از نامه‌های مندرج در عتبه‌الکتبه را از سال ۴۴۸ هـ. ق. سال وفات ناصرالدین و سال ۵۵۲ هـ. ق. سال وفات سلطان سنجر فراتر برده و به عهد سلطنت محمود بن محمد بین سال‌های ۵۵۲ هـ. ق. الی ۵۵۷ هـ. ق. می‌رساند.

به طور کلی مکتوبات موجود در کتاب عتبه‌الکتبه به دو بخش عمده تقسیم می‌گردد:

۱. سلطانیات:<sup>۱۸</sup> شامل بیش از سی منشور حکومتی و یا نامه‌هایی که غالباً از دیوان سلطان سنجر صادر گردیده است. این منشورها مشاغل مختلفی را از تدریس در مدارس نظامیه تا خطابه، قضاوت ریاست لوقافه نقابت سادات و... را شامل می‌گردد. آنگونه که مشخص است تمامی منشورهای یاد شده در این بخش در ایام حیات سلطان سنجر صادر گردیده است. ۲. اخوانیات: که شامل نامه‌های خصوصی منتجب‌الدین است آنگونه که از مندرجات این بخش برمی‌آید منتجب‌الدین در اواخر عمر یا پس از مرگ سلطان سنجر امور دیوانی را ترک کرده، به زادگاه خود جوین رفته و در آنجا ساکن گردیده است. نویسنده این بخش (اخوانیات) دیوانسالار بازنشسته‌ای است که دیگر علاقهای به حضور در امور دیوانی نداشته و به همین دلیل نیز همواره برای عدم حضور خود در دیوان دلایلی چون مادر پیر، سرپرستی فرزندان، پیری و بیماری را بهانه نموده است. اما آشنایی که منتجب‌الدین به دلیل سال‌ها حضور طولانی در دیوان سلجوقیان با بزرگان و کار بدستان مملکتی داشته باعث گردیده تا گهگاه و بنا به ضرورت، نامه‌هایی از جوین برای آنان ارسال دارد. بخش اخوانیات عتبه‌الکتبه شامل نامه‌های مذکور می‌باشد. نامه‌های این بخش موضوعات متنوعی را در برمی‌گیرد. طی این نامه‌ها منتجب‌الدین گاه برای منطقه یا فردی طلب معافیت مالی نموده<sup>۱۹</sup> و گاه به تعریف و یا تأیید شاعری پرداخته و از بزرگان خواسته تا به اکرام و احترام او بپردازند.<sup>۲۰</sup> در نامه‌ای مرگ بزرگی را تسلیت گفته<sup>۲۱</sup> و در نامه‌ای دیگر عید را تبریک گفته.<sup>۲۲</sup> در نامه‌ای به تعریف از حاکم منطقه پرداخته<sup>۲۳</sup> و در نامه‌ای دیگر به گرفتن مالیات‌های اضافی توسط مأمورین دولتی اعتراض نموده است.<sup>۲۴</sup>

با توجه به مباحثی که تاکنون مطرح شد می‌توان حدس زد که کتاب عتبه‌الکتبه در ابتدا تنها منحصر به بخش اول کتاب حاضر (سلطانیات) بوده و کلیه مکتوبات موجود در این بخش قبل از وفات سلطان سنجر نگاشته و جمع‌آوری گردیده است. مقدمه موجود در کتاب نیز برای همین بخش به رشته تحریر درآمده است. سال جمع‌آوری و ترتیب این بخش و نگارش مقدمه بی‌شک قبل از سال ۴۴۸ هـ. ق. می‌باشد. اما بخش دوم کتاب (اخوانیات) سالها بعد، یعنی زمانی که منتجب‌الدین امور دیوانی را ترک گفته و در روستای جوین ساکن شده است، به بخش اول ضمیمه گردیده است. برای تأیید این گفتار می‌توان به نامه‌های موجود در این بخش از کتاب که خطاب به دیوان مؤید آی‌آه صادر شده و به اعتقاد نگارنده این مقاله تعداد زیادی از نامه‌های این بخش را نیز شامل می‌گردد اشاره کرد.

مؤید آی‌آه از سرداران سلطان سنجر سلجوقی بود که پس از مرگ وی از قدرتمندترین فرماندهان سلجوقی حاضر در خراسان محسوب می‌گردید. وی در سال ۵۵۶ هـ. ق. موفق شد شهر نیشابور را فتح کند. در این زمان رکن‌الدوله محمود خواهرزاده و جانشین سنجر تحت حمایت غزها به نیشابور حمله و آنجا را محاصره نمود. لیکن محاصره به جایی نرسید و محمود از دست غزان به مؤید آی‌آه پناهنده شد. اما مؤید وی را زندانی و در ۵۵۷ هـ. ق. کور و به نام خود و خلیفه عباسی المستجد بالله خطبه خواند.<sup>۲۵</sup> گرچه در کتاب عتبه‌الکتبه نامی از مؤید آی‌آه برده نشده است اما در یکی از نامه‌های بخش اخوانیات این کتاب به نام «پادشاه عادل ملک الملوک و الامرا خسرو مشرق» اشاره گردیده است. برای اثبات این ادعا که خسرو مشرق یاد

شده در عتبه‌الکتبه همان مؤید آی‌آه می‌باشد دلایل محکمی وجود دارد که اولین آن مندرجات کتاب تاریخ بیهقی نوشته ابن فندق می‌باشد. ابن فندق کتاب خود را در سال ۴۶۳ هـ. ق. و به نام مؤید آی‌آه به رشته تحریر در آورده است. در این کتاب از مؤید آی‌آه با عناوین زیر یاد شده است «مؤیدالدوله والدین خسرو خراسان ملک المشرق آی‌آه».<sup>۲۶</sup> همچنین در بخش اخوانیات کتاب عتبه‌الکتبه نامه‌ای است خطاب به فردی به نام ضیاءالملک که بر اساس مندرجات این نامه وی وزارت خسرو مشرق را به عهده داشته است.<sup>۲۷</sup> بی‌شک ضیاءالملک فوق‌الذکر کسی نیست جز ضیاءالملک محمد بن ابوطالب سعد بن ابوالقاسم محمود رازی که وزارت مؤید آی‌آه را به عهده داشته و در سال ۴۶۰ هـ. ق. توسط وی از کار برکنار گردیده است.<sup>۲۸</sup> با توجه به دلایل ارائه شده شکی باقی نمی‌ماند که خسرو مشرق یاد شده در عتبه‌الکتبه همان مؤید آی‌آه می‌باشد.

بی‌تردید مؤید آی‌آه تنها پس از مرگ سلطان سنجر سلجوقی (۵۵۲ هـ. ق.) و قتل جانشین او محمود (۵۵۷ هـ. ق.) و خطبه خواندن به نام خود و خلیفه عباسی است که توانسته عنوان پادشاه و خسرو مشرق را اختیار نماید. به همین دلیل نیز به نظر می‌رسد تاریخ نگارش، حداقل برخی از نامه‌های موجود در بخش اخوانیات عتبه‌الکتبه، از سال ۵۵۷ هـ. ق. نیز فراتر می‌رود. علاوه بر این، وجود دو نامه در این بخش که خطاب به فردی به نام نصیرالدین نگاشته شده این احتمال را که تاریخ نگارش برخی از نامه‌های این بخش از سال ۵۶۰ هـ. ق. نیز فراتر رود را موجب گردیده است. زیرا منظور از نصیرالدین فوق‌الذکر احتمالاً همان نصیرالدین ابوبکر محمد بن ابونصر محمد مستوفی است که بنا به گفته ابن اثیر در سال ۵۶۰ هـ. ق. و پس از عزل ضیاءالملک به وزارت مؤید آی‌آه انتخاب گردیده است.<sup>۲۹</sup>

گرچه تنها برخی از نامه‌های موجود در بخش اخوانیات عتبه‌الکتبه را می‌توان ردیابی نموده و دقیقاً مشخص کرد که خطاب به چه کسی نگاشته شده است اما با توجه به قدرت و نفوذ مؤید آی‌آه در منطقه خراسان و در جوین محل سکونت منتجب‌الدین در این زمان، می‌توان حدس زد که تعداد بیشتری از نامه‌های موجود در بخش اخوانیات خطاب به دیوانیان مؤید آی‌آه به رشته تحریر درآمده باشد.

در پایان این مقاله باید خاطر نشان کرد که کتاب عتبه‌الکتبه یکی از مهم‌ترین و سودمندترین منابع و مأخذ تاریخی عصر سلجوقی محسوب می‌گردد. دویخشی متفاوت این کتاب هر کلام به طریقی محقق را در شناخت تاریخ سلجوقیان راهنمایی می‌کند.

بخش اول (سلطانیات) بیشتر از این نظر که به معرفی محدوده اختیارات، مسئولیتها و وظایف شاعرین مناصب مختلف مملکتی همچون قضات، محتسبین، رؤسای شهرها، اقطاع‌داران و... پرداخته دارای ارزش و اهمیت می‌باشد. اما بخش دوم کتاب (اخوانیات) به لحاظ انعکاس وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی خراسان پس از مرگ سلطان سنجر و در هنگام تاخت و تاز غزها در خراسان و قدرت‌گیری سرداران مختلف در این منطقه حائز ارزش و اهمیت می‌باشد. نویسنده در این بخش گرچه شغل دیوانی را در اختیار نداشته اما به خوبی اوضاع عمومی خراسان این عهد را در نامه‌های خود منعکس نموده است.

فهرست منشورها و نامه های موجود در بخش سلطانیات کتاب عتبة الکتبه

شماره منشور	عنوان منشور	مخاطب	توضیحات	صص
۱	تقلید تدریس مدرسه نظام نیشابور	خواجده محیی الدین محمد بن یحیی	محیی الدین از فقهای برجسته نیشابور بود که به هنگام فتنه غزنی فتوی به وجوب محاربه با آنها داد. به همین دلیل وقتی غزان نیشابور را گرفتند او را کشتند. خاقانی مرثی برای او سروده که مشهور است. در ضمن شعری هم علی بن ابراهیم کاتب پس از مرگ وی سروده که در تاریخ این شهر درج گردیده است. (۳۰)	۶-۹
۲	تقلید قضاء نیشابور	عمادالدین محمد بن احمد بن صاعد	تعداد دیگری از افراد این خاندان نیز شغل قضاوت را در مناطق مختلف خراسان در دست داشتند. (۳۱)	۹-۱۴
۳	تقلید آیات و ولایت مازندران	ابینانج بکلا	نامه توسط فردی از خاندان سلجوقی صادر گردیده وی آیات مازندران را از سلطان سنجر دریافت نموده و از طرف خود ابینانج بکلا را به حکومت این منطقه فرستاده است. (۳۲)	۱۳-۱۶
۴	تقلید عمل چرجان و نواهی آن	غیاث الدین والدین مسعود [ابراهیمزاده سنجر]	در این منشور از فردی به نام محمد یولایه صحبت شده که قبل از این ولایت چرجان را در اختیار داشته پس از مرگ وی منشور حکومت به پسرش حسن داده می شود اما به دلیل بی کفایتی او سنجر به چرجان حمله می کند او را برکنار و چرجان را به مسعود می دهد. (۳۳)	۱۶-۲۱
۵	تقلید ریاست مازندران	تاج الدین ابوالکارم احمد بن العباس	در این منشور از همایشگان طغرل خواسته شده تا به تاج الدین احترام بگذارند. این نکته بیانگر نفوذ طغرل بن محمد بن ملکشاه (متوفی ۵۲۹ ه. ق) در منطقه مازندران و همچنین نوشته شدن نامه قبل از سال ۵۲۹ سال وفات طغرل می باشد. (۳۴)	۲۱-۲۶
۶	مثال هم تو معنی ریاست مازندران	تاج الدین ابوالکارم احمد بن العباس	احتمالاً این منشور از دیوان سنجر صادر نگردیده است زیرا براساس مندرجات آن فردی که منشور به دستور او نگاشته شده می گوید: طرواح گرگان مدتی منهدم گردیده بود تا اینکه به فرمان اعلی خدایگانی اعظمی شاهنشاه اعلا اله الله [سلطان سنجر] حکومت گرگان به دیوان من حواله گردید» وی نیز عضدالدین عمادالاسلام را به حکومت گرگان منصوب کرده است. (۳۵)	۲۶-۳۰
۷	تقلید ولایت گرگان	عضدالدین عمادالاسلام	در این منشور سنجر از عمادالدین و فرزند او علاءالدین می خواهد که از ظهیرالدین حمایت کنند. امیر عمادالدین قماچ از فرماندهان معروف سلطان سنجر بوده و از جانب وی حکومت بلخ را داشته است. وی و پسرش هر هنگام حمله غزان به خراسان در نبرد با آنان کشته شدند. (۳۶)	۳۰-۳۲
۸	تفویض قضاء نونان و دیههای طوس	عمادالدین ابوسعید محمد بن اسماعیل		۳۲-۳۳
۹	تفویض تدریس هند مدرسه در بلخ	ظهیرالدین		۳۳-۳۷

## فهرست منشورها و نامه‌های موجود در بخش سلطانیات کتاب عتبه‌الکتبه

شماره منشور	عنوان منشور	مخاطب	توضیحات	صص
۱۰	تقلید خطابت سرخس	شیباالدین ابومحمد فضل بن ابراهیم زیادی	در تاریخ این اثیر آمده است که در سال ۵۳۶ ه. ق. زمانی که خوارزمشاه آتسر سرخس را تصرف کرد اما ابومحمد زیادی به دیدار او شتافته خوارزمشاه نیز وی را گرامی می‌دارد (۳۲) بی‌شک امام ابومحمد زیادی نام برده شده در تاریخ این اثیر همان کسی است که منشور خطابت سرخس برای وی صادر گردیده است. ابوبکر فرزند عمادالدین حاکم بلخ از جانب سنجر می‌باشد. در این نامه سنجر سعی دارد از عمادالدین که بنا به دلایلی رنجیده خاطر گردیده است دلجوئی نماید.	۳۷-۳۸
۱۱	تقلید ایالت ولایت	ابوبکر بن عمادالدین		۳۸-۴۰
۱۲	تفویض ریاست سرخس	نجم‌الدین		۴۰-۴۲
۱۳	نیابت ایالت شهر ری	ابوالفتح یوسف بن خوارزمشاه	این منشور نیز - مانند منشور شماره ۷ - از دیوان سلطان سنجر صادر نگردیده است زیرا فردی که نامه به فرمان وی نگاشته شده مدعی است که ایالت ری بنا به وصیت سلطان محمد به او رسیده و سلطان سنجر و مسعود نیز این موضوع را تأیید کرده‌اند و حال او براساس این منشور فردی را از جانب خود به نیابت این شهر گماشته است.	۴۲-۴۵
۱۴	تفویض قضاء گنابکان	قاضی امام مجدالدین محمد		۴۵-۴۶
۱۵	تقلید نیابت دیوان استیقا به مرو	زین‌الدین ابوالعلاء سعد بن حسین مستوفی		۴۶-۴۸
۱۶	تفویض نیابت وزارت دیوان طغرا	شیباالدوله	براساس این منشور دو شغل نیابت وزارت و دیوان طغرا به شیباالدوله واگذار گردیده است.	۴۸-۵۰
۱۷	تقلید قضاء و خطابت استرآباد	قاضی القضاة شیباالدین		۵۰-۵۲
۱۸	تولیت نیابت دیوان اوقاف گرگان	شیباالدین	براساس این منشور نیابت عزیزالدین اثیر الاسلام که متولی اوقاف گرگان بوده است، به شیباالدین واگذار می‌گردد. به احتمال زیاد منشور شماره ۱۹ و منشور شماره ۱۸ در زمانی نزدیک به هم صادر گردیده و براساس آن عزیزالدین به تولیت اوقاف گرگان و شیباالدین به نیابت او منصوب گردیده است.	۵۲-۵۳
۱۹	تفویض تولیت اوقاف [گرگان]	عزیزالدین اثیر الاسلام		۵۳-۵۵
۲۰	تفویض ریاست بسطام	شرف‌الدین	در این منشور از شرف‌الدین خواسته شده نیابت ریاست و استیقا بسطام را به امین رشیدالدین بدهد. احتمالاً این فرد همان امام برهان‌الدین ابومحمد محمد بن فخرالدین عبدالعزیز کوفی قاضی و شیخ الاسلام نیشابور می‌باشد که در سال ۵۸۲ ه. ق. قتل رسید (۳۳) در لیاب‌الایات نیز توضیحاتی پیرامون وی داده شده است. (۳۵)	۵۵-۵۶
۲۱	تقلید قضاء نیشابور	امام برهان‌الدین		۵۷-۵۸

فهرست منشورها و نامه‌های موجود در بخش سلطانیات کتاب عتبه‌الکتابه

صص	توضیحات	مخاطب	عنوان منشور	شماره منشور
۵۸-۵۹	براساس این منشور قضاوت در میان لشکریان به مجدالدین واگذار گردیده و از وی خواسته می‌شود تا براساس احکام مذهب حنفی به قضاوت پردازد.	مجدالدین	تفویض قضاء حکم و لشکر حضرت	۲۲
۶۰		ناصرالدین	تفویض عمل	۲۳
۶۰-۶۲	بنا به مندرجات این منشور منطقه جوبین تحت نظارت یکی از زنان خاندان سلجوقی بوده. وی سیف‌الدین برتقش را به عنوان شهنشه به جوبین اعزام نموده و این منشور تأیید برای اوست که از جانب سنجر برای سیف‌الدین صادر گردیده است. برتقش یکی از سرداران سلطان سنجر بوده که در اواخر عمر وی از بزرگان دولت سلجوقی محسوب می‌گردیده است. (۳۶)	سیف‌الدین برتقش	تفویض شهنگی [جوبین]	۲۴
۶۲-۶۳	بنا به مندرجات این نامه فردی از دیوان سنجر به نام معین‌الدین به خدمت قراخانیان رفته و «صدر توران» گردیده است. گویا معین‌الدین از سنجر تقاضای نماید اجازه دهد فرزندش که در حضور سلطان بوده به نزد او برود. سنجر نیز طی این نامه موافقت خود را اعلام نموده و فرزند معین‌الدین را به همراه هدایایی اعزام می‌دارد.	معین‌الدین	استالمت	۲۵
۶۳-۶۴	براساس این منشور تقایب سادات گرگان، دهستان، و استرآباد به جمال‌الدین داده شده است. فرد یاد شده احتمالاً همان جمال‌الدین است که در کتاب التلخیص از وی به عنوان یکی از سادات مورد احترام چوچان یاد گردیده است. (۳۷)	جمال‌الدین ابوالحسن علوی	منشور تقلید تقایب سادات	۲۶
۶۴-۶۶		جمال‌الدین	تقلید قضاء طوس	۲۷
۶۶-۶۷	در این منشور چند منشور یعنی کتاب شمارگذاری با اشتباهاتی همراه گردیده است. جهت هماهنگی با کتاب همان شماره مندرج در کتاب بر ابتدا ذکر گردیده است و جزو زیر آن شماره درست منشور ذکر گردیده است.	معین‌الدین	منشور تقلید عمل مرو به نیابت دیوان	۲۷ [۲۸]
۶۷-۶۹	سنجر براساس این منشور منتخب‌الدین را برای سر و سامان دادن به اوضاع دیوانی ایالت گرگان به این منطقه اعزام می‌دارد.	منتخب‌الدین علی بن احمد کاتب	نوعی دیگر	۲۸ [۲۹]



فهرست منشورها و نامه‌های موجود در بخش سلطانیات کتاب عتبه الکتبه

شماره منشور	عنوان منشور	مخاطب	توضیحات	صحن
۲۹ [۳۰]	منشور ایالت ری بر سبیل نیابت حضرت	اینانج قتلخ بکلا	این منشور زمانی نگاشته شده که سنجر از خوارزم به خراسان مراجعت نموده است. سنجر سه بار در سال‌های ۵۳۳ ه.ق.، ۵۳۸ ه.ق.، ۵۴۲ ه.ق. به خوارزم حمله نموده است. منشور فوق باید پس از یکی از این حملات به رشته تحریر درآمده باشد.	۶۹-۷۴
۳۰ [۳۱]	منشور ایالت و شحتگی بلخ	منصور بن علاءالدوله ابوبکر	در این منشور از «شاهسپاسار شهید قماچ» نام برده شده است. به احتمال زیاد منشور بلافاصله بعد از کشته شدن عمادالدین قماچ و پسرش علاءالدین ابوبکر (۵۴۸ ه.ق.) در نبرد با غزها نگاشته شده است و طی آن سنجر کلیه اموال، غلامان، سربازان و اقطاعات علاءالدین را به همراه حکومت و شحتگی بلخ به منصور نوه علاءالدین داده است.	۷۴-۸۰
[۳۲] ۳۱	منشور تفویض شحتگی ترکمانان	اینانج بکلاغ چانداریک	از منشورهای موجود در کتاب عتبه الکتبه سه منشور شماره ۳، ۴۹، ۳۱ به نام اینانج بکلاغ می‌باشد.	۸۰-۸۲
[۳۳] ۳۲	در معنی احتساب مازندران	اومدالدین		۸۲-۸۳
[۳۴] ۳۳	منشور اقطاع مازندران	سراج‌الدین		۸۴
[۳۵] ۳۴	در معنی شحتگی ترکمانان	جمال‌الدین		۸۴-۸۵
۳۴ [۳۶]	منشور ریاست اصحاب امام شافعی رضوان‌الله علیه	ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور السمعانی	ابوسعید سمعانی متوفی به سال ۵۶۲ ه.ق. مؤلف کتاب معروف الانساب می‌باشد. در این منشور علاوه بر ریاست شافعیان خطابت در مسجد جامع و تخریب در مدرسه نظامیه به ابوسعید واگذار گردیده است. این مکتوب و دو مکتوب بعد از آن منشورهای حکومتی نیستند بلکه نامه‌های صادر شده از جانب سلطان سنجر می‌باشند.	۸۵-۸۸
۳۴ [۳۷]	مکتوب آخر	؟	این نامه در اواخر سال ۵۴۵ ه.ق. و در سرخس نگاشته شده است و طی آن سلطان سنجر خبر عزیمت خود از عراق به خراسان را اعلام می‌دارد.	۸۸-۸۹
۳۵ [۳۸]	مکتوب آخر	[ابوبکر] علاءالدین	نامه در ربیع‌الاول سال ۵۴۵ نگاشته و در آن از ابوبکر علاءالدین جهت سرکوبی دشمنان قدر دانی گردیده و به او خبر می‌دهد که دو تن از سرداران یعنی امیر اسفهرسالار و تاج‌الدین ملک نیم روز شاه غازی به سمت منطقه او [بلخ] می‌روند. احتمالاً این نامه مقارن با حملات غزها به خراسان نگاشته شده و حضور سرداران فوق نیز در جهت مقابله با این حملات بوده است.	۸۹-۹۱
۳۶ [۳۹]	مکتوب آخر	[ابوبکر] علاءالدین	در این نامه خبر رسیدن قاضی معین‌الدین ابوالعلاء محمد بن محمود، که از جانب علاءالدین به نزد سنجر اعزام شده بود، اعلام گردیده است.	۹۱-۹۲

۱- ابراهیم قفس اوغلی: تاریخ دولت خوارزمشاهیان، ترجمه داود اصفهانیان، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۷، صص ۸۱۱.

۲- جوینی، منتجب‌الدین جوینی، عتب‌الکتبه، ص ۲.

۳- جوینی، عطاملک شمس‌الدین جوینی: تاریخ جهانگشای جوینی، به تصحیح محمد قزوینی، تهران، انتشارات ارغوان، چاپ چهارم، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۹.

۴- همان، صص ۷۱۰.

۵- این حکایت در تذکره‌الشمرا دولتشاه سمرقندی نیز ذکر گردیده است. به همت محمدرضائی، تهران، انتشارات پدیده «خاور» چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۷۲.

۶- عوفی، محمد: لب‌الالیاب، به اهتمام ادوارد براون، تهران، کتابفروشی فخر رازی، ۱۳۶۰، صص ۷۸-۷۹.

۷- در تاریخ بیهق شرح زندگی ظهیرالدین آمده است. براساس این کتاب ظهیرالدین ابتدا در خدمت ملک جلال‌الدین نوری برس بن الب ارسلان بوده مدتی نیز مقام عارض را داشته است. اولین شغل مهم او در عهد سنجر عمل هرات بوده است. مدتی وزارت آنرا داشته و بعد از آن به مقام ریاست دیوان استیفاء دست می‌یابد. در سال ۵۳۶ ه. ق. در جنگی به همراه سلطان سنجر، او و پسرش کشته می‌شوند. ر.ک. ابن فندق: تاریخ بیهق، تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار، بی‌جا، کتابفروشی فروغی، بی‌تا، صص ۲۲۵-۲۲۶.

۸- آنر نقش بسزایی در وقایع عصر سنجر ایفاء نموده و در حمله سلطان به ری که در سال ۵۱۳ ه. ق. و بر علیه سلطان محمود صورت گرفت فرمانده لشکر سنجر بوده است. ر.ک. ابن اثیر، عزالدین علی: تاریخ کامل و بزرگ اسلام و ایران، مترجمان علی هاشمی حائری، ابوالقاسم حالت، تهران، انتشارات مطبوعات علمی، ۱۳۶۸، ج ۱۸، صص ۲۷۲-۲۷۳.

۹- نصیرالدین ابوالقاسم محمودبن مظفر بن عبدالملک بن ابی توبه به مروزی وزیر سلطان سنجر از سال ۵۲۱ ه. ق. الی ۵۲۶ ه. ق. که قبل از وزارت ریاست دیوان انشاء و طغرای سنجر را برعهده داشت. حکیم عمر بن سهلان ساوجی کتاب خود البصائر التبصیریه را به نام او در منطق تألیف کرده است برای کسب اطلاعات بیشتر پیرامون وی ر.ک. اقبال، عباس: وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، به کوشش محمدتقی دانش پژوه، یحیی دکاء، تهران، دانشکده تهران، ۱۳۳۸، صص ۲۶۴-۲۶۳.

۱۰- منتجب‌الدین جوینی، پیشین، صص ۴۵.

۱۱- همان، ص ۵.

۱۲- برای کسب اطلاعات بیشتر از ناصرالدین رک: عباس اقبال، پیشین صص ۲۷۵-۲۷۸.

۱۳- قوام‌الدین بنا به گفته ابن فندق وزارت سلطان سلیمان و سلطان محمودخان را به عهده داشته و از سال ۵۵۳ ه. ق. تا سال نگارش تاریخ بیهق (۵۶۳ ه. ق.) در بیهق مقیم بوده است. ص

۷۵. ۱۴- منتجب‌الدین جوینی، پیشین، ص ۱۲۶.

۱۵- همان، ص ۱۲۹.

۱۶- همان، ص ۱۳۰.

۱۷- در کتاب عتب‌الکتبه از عنوان سلطانیات برای این بخش استفاده نشده است. اما در کتاب دستور دبیری که چند سالی پس از عتب‌الکتبه نگاشته شده است منشورهایی که جهت تصدی مشاغل مختلف از جانب سلطان صادر گردیده با عنوان سلطانیات مشخص شده است. به همین دلیل در این مقاله نیز این عنوان برای منشورهای موجود در عتب‌الکتبه انتخاب گردید. رک: المیهنی، محمدرضا بن عبدالخالق: عتب‌الکتبه، به تصحیح و اهتمام عدنان صادق رازی، آنقره، انتشارات دانشکده الهیات دانشگاه آنقره، ۱۹۶۲ م.

۱۸- منتجب‌الدین جوینی، پیشین، صص ۱۰۵-۱۰۶.

۱۹- همان، ص ۱۰۸.

۲۰- همان، صص ۱۱۱-۱۱۲.

۲۱- همان، صص ۱۱۸-۱۱۹.

۲۲- همان، صص ۹۵-۹۸.

۲۳- همان، صص ۱۵۱-۱۵۴.

۲۴- ابن اثیر، پیشین، ج ۲، صص ۹۹-۱۰۱.

۲۵- ابن فندق، پیشین، ص ۲۸۴.

۲۶- منتجب‌الدین جوینی، پیشین، ص ۱۶۶.

۲۷- ابن اثیر، پیشین، ص ۲۱۲.

۲۸- همان، ص ۲۱۲.

۲۹- همان، جلد ۲، صص ۲۴۳-۲۴۴، عوفی، پیشین، ص ۲۷۹.

۳۰- ابن فندق، پیشین، ص ۲۴۶.

۳۱- راوندی، محمد: راحة الصدور آیه‌السرور، تصحیح محمد اقبال: تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۴، صص ۱۷۷-۱۷۸.

۳۲- ابن اثیر، پیشین، ج ۲، ص ۵۷.

۳۳- عطا ملک جوینی، پیشین، صص ۲۲-۲۴.

۳۴- عوفی، پیشین، صص ۲۲۸-۲۲۹.

۳۵- بنداری اصفهانی: زبده‌النصره نخبه العصر، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶، صص ۳۳۱-۳۳۲.

۳۶- عبدالجلیل قزوینی رازی: النقص، با مقدمه و تصحیح جلال‌الدین حسین آرموی، بی‌جا، ۱۳۳۱ ه. ش، صص ۴۳۵-۴۳۶.

۳۷- شرح زندگی وی در کتاب نورالله کسائی: مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۲۴۳، آمده است.

ابوالمعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی معروف به عین‌القضاة از مشاهیر صوفیه است که در همدان به سال ۴۹۲ ه. به دنیا آمد و در سال ۵۲۵ ه. در همان شهر مقتول گردید. او شافعی مذهب و پیرو احمد غزالی و مرید شیخ برکت همدانی بود. نیز از اندیشه‌ها و تعلیمات امام محمد غزالی بهره فراوان برده آنچنانکه شاگرد او نیز به‌شمار می‌آید. عین‌القضاة با وجود عمر اندک خویش از نوابغ متفکران ایرانی محسوب می‌شود که توانست در همان آغاز جوانی به سرعت راه کمال را ببیماید. قلم شیوا، فکر بلند، تسلط و احاطه شگفت‌انگیز او بر قرآن و حدیث و مضامین عرفانی و اندیشه‌های بزرگان صوفیه وی را به مقام یکی از بزرگان عرفانی ایران اسلامی ارتقاء داده است. در همان حال نوشته‌های او از سوز و گناز بسیار مشحون است و حکایت از عشقی عمیق و اندیشه‌ای سترگ دارد. از آثار او یزدان شناخت، رساله جمالی، تمهیدات، زبده‌الحقیق، شکوی الثریب و مکاتیب که نامه‌های اوست.

عصر عین‌القضاة روزگار پرآشوبی بود. سلطنت سلاجقه بزرگ به مرکزیت اصفهان رو به ضعف نهاده و تجزیه شده بود. بخشی از سلاجقه در خراسان و بخشی در عراق و نیز شعبی از آنها در جاهای دیگر بودند. سلاجقه عراق که همدان در قلمرو آنان بود میان خودشان و نیز با ملوک اطراف در کشمکش بودند. کر و فر اسماعیلیان و تکاپوی اتابکان نمود بسیار داشت و عباسیان نیز پس از فترتی طولانی سعی در توسعه قدرت و قلمرو خود در نواحی غربی ایران از جمله همدان داشتند. در چنین اوضاع پرآشوبی عین‌القضاة بی‌ترس از غوغای عوام اندیشه‌های عمیق و سترگ خود را ابراز داشت و هر چند خواجه عزیزالدین از مستوفیان آن روزگار از او حمایت می‌کرد اما سرانجام در

○ نامه‌های عین‌القضاة همدانی  
 ○ به اهتمام: علینقی منزوی و عقیف عسیران  
 ○ ناشر: بنیاد فرهنگ ایران، تهران، بخش اول، ۱۳۴۷، بخش دوم، ۱۳۵۰.

